



نگات کلیدی و بانک آزمون

حقوق جزای خصوصی اسلام (ویژه الهیات)

تالیف:

جواد احمدی



سورسز پبلیکیشن

نکات کلیدی و بانک آزمون حقوق جزای خصوصی اسلام (ویژه الهیات)

✱ تالیف: جواد احمدوند

✱ ناشر: سرافرازان البرز

✱ تعداد صفحات: ۷۴ صفحه

✱ نوبت چاپ: اول - ۱۳۹۴

✱ شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۳۶۲-۱۷۳-۲

✱ شمارگان: ۱۰۰۰ جلد

✱ قیمت: ۳۹۰۰ تومان

کلیه حقوق برای ناشر محفوظ است.

سرشناسه	۱۳۶۵ -
عنوان و نام پدیدآور	نکات کلیدی و بانک آزمون حقوق جزای خصوصی اسلام (ویژه الهیات)
مشخصات نشر	کرج: سرافرازان البرز، ۱۳۹۴.
مشخصات ظاهری	۷۴ ص؛ ۱۴×۲۱ سانتیمتر؛ س.م.
شابک	۹۷۸-۶۰۰-۳۶۲-۱۷۳-۲
وضعیت فهرست نویسی	فهرست مختصر
یادداشت	فهرست نویسی کامل این اثر در سایت http://opac.nlai.ir قابل دسترسی است.
شماره کتابشناسی ملی	۴۰۹۱۵۱۴

مرکز پخش: انتشارات سرافرازان البرز

کرج - رجائی شهر - بلوار مؤذن شرقی - روبروی بانک ملی دانشگاه آزاد - پلاک ۳۲

تلفن: ۰۲۶-۳۴۲۰۸۵۰۷-۳۴۴۵۰۱۵۳-۳۴۲۰۸۴۹۸

www.hamrah-pnu.ir

مقدمه ناشر

دانشجوی عزیز!

پس از انتشار کتاب‌های کمک آموزشی همراه در رشته‌های مختلف و استقبال بی‌نظیر دانشجویان، گروه علمی همراه در طرحی جدید اقدام به انتشار مجموعه کتاب‌های نکات کلیدی و بانک آزمون توسط اساتید باسابقه دانشگاه‌های کشور نمود. این سری کتاب‌ها با هدف استفاده کامل و بهینه از دانشجویان دانشگاه پیام نور و سایر موسسات آموزش عالی کشور تهیه گردیده است. در این کتاب‌ها سعی گردیده که حجم کتاب به گونه‌ای تنظیم گردد تا نکات کلیدی کتاب را به طور کامل پوشش دهد. همچنین سوالات امتحانی چند دوره گذشته برای مرور دانشجو و آشنایی و آمادگی برای امتحان پایانی باسری کاملاً تشریحی قرار گرفته است. هدف ما در این سری از کتاب‌ها کیفیت، قیمت مناسب، حجم قابل قبول و نیز مفید و موثر بودن کتاب برای دانشجو بوده است. نکته حائز اهمیت در کتاب‌های نکات کلیدی و بانک آزمون همراه این است که این کتاب‌ها در هر نیمسال تحصیلی با درج سوالات آخرین دوره آسانی، به‌روزرسانی می‌شود. مدیریت کتاب‌های «نکات کلیدی و بانک آزمون» و کتاب‌های «کمک آموزشی» همراه، زیر نظر چند تن از اساتید صاحب‌نظر دانشگاه پیام نور بوده، هدف آن رضایت دانشجو و استفاده موثر از آن می‌باشد. از اساتید و دانشجویان عزیز خواهشمندیم که با نظر سازنده خود ما را در بهبود و ارتقای سطح کیفی این کتاب‌ها یاری فرمایند.

پیروز و سربلند باشید

فهرست عناوین

صفحه

عنوان

۱	نکات کلیدی فصل‌های مختلف کتاب
۳۳	سوال ۱: امتحانی نیمسال اول ۱۳۹۲-۹۳
۳۸	پاسخ به سوالات امتحانی نیمسال اول ۱۳۹۲-۹۳
۴۲	سوالات امتحانی نیمسال دوم ۱۳۹۲-۹۳
۴۸	پاسخ به سوالات امتحانی نیمسال دوم ۱۳۹۲-۹۳
۵۱	سوالات امتحانی تابستان ۱۳۹۳
۵۵	پاسخ به سوالات امتحانی تابستان ۱۳۹۳
۵۸	سوالات امتحانی نیمسال اول ۱۳۹۳-۹۴
۶۳	پاسخ به سوالات امتحانی نیمسال اول ۱۳۹۳-۹۴
۶۷	سوالات امتحانی نیمسال دوم ۱۳۹۳-۹۴
۷۱	پاسخ به سوالات امتحانی نیمسال دوم ۱۳۹۳-۹۴

مقدمه

اسلام مجازات را تعدیل کرده و به مجازات جهت اخلاقی داده است.

شیخ انصاری اولین فقیهی است که به تفاوت مفهوم «حق» و «حکم» توجه داده است و خودش در تفاوت آنها فرمودند: حق به ارث گذاشته می‌شود، اما حکم به ارث داده نمی‌شود. همچنین حق قابل اسقاط است و حکم قابل اسقاط نیست.

اسلام خدایی رضوان الله تعالی علیه نیز حق را در عرض مالکیت و سلطنت می‌داند.

حکم وضعی لزومی که فسخ قبول نمی‌کند مانند عقد ازدواج که جز در بعضی موارد فسخ ازدواج ممکن نیست.

حکم وضعی ترخیصی که اسقاط می‌پذیرد، مانند حق شفعه و حق خیار که صاحب حق می‌تواند از حق خودش دست بردارد و حق خودش را اسقاط نماید.

حکم وضعی ترخیصی که قابل اسقاط نیست، مانند جواز که در عقد هبه و بخشش وجود دارد، جایز بودن عقد هبه یک حکم تعلی شرعی است که قابل اسقاط نیست و نمی‌شود جواز هبه را از بین برد.

مقصود از ترخیصی این است که مستحق به اقدام کردن یا نکردن آن رخصت و اجازه دارد، اگر خواست از حق خودش استفاده می‌کند و اگر نخواست استفاده نمی‌کند.

در تعریف حق الناس می‌توانیم بگوییم: «آن چیزهایی که برای انسان مجاز است، حق الناس نامیده می‌شود.

مرز میان حق الله و حق الناس این است که تبرئه مردم، سبب تبرئه مجرم نشود، آن چیز حق الله است، و اگر توبه سبب تبرئه مجرم نشود، آن چیز حق الناس است. براساس این معیار آن جرائم و گناهایی که برایش حد یا تعزیر تعیین گردیده که موجب عقوبت و کیفر او ساقط می‌شود، حق الله هستند.

حد و مفهوم وضعی و لغوی به معنای «منع کردن» است. و در اصطلاح حقوق جزائی اسلام حد مجازاتی است که مقدار آن مشخص باشد، چنانکه محقق حلی در تعریف آن گفته‌اند:

«کل ماله عقوبه مقدره یسمی حداً»

شمس الدین سرخسی که از فقهاء حنفی مذهب است در تعریف حد گفته‌اند:

یعنی: در شرع حد اسم است برای مجازاتی که مقدار آن مشخص است و آن مجاز واجب است، به جهت حق الله تعالی به همین دلیل تعزیر را حد نمی‌نامند، چونکه مقدار آن مشخص نیست، و قصاص را حد نمی‌گویند برای اینکه قصاص حق الناس است.

براساس تعریف فقهی که از حد شده است، دو نکته مهم و قابل دقت به‌دست آمده که عبارتند از:

الف) حد اسم کیفری است که در حقوق جزایی اسلام مقدار آن مشخص است و آن مقدار قطعی و غیرقابل تغییر می‌باشد.

ب) حد، کیفر است نه بر بدن مجرم، اجراء می‌شود یعنی به‌عنوان ایجاد الم و درد بر بدن مجرم می‌باشد و (بنگ حد، به قتل رساندن مجرم است، و تبدیل آن به زندان نمودن مجرم یا گرفتن وجهی نفی جایز نیست، و در حقوق جزاء اسلام، بدل و عوضی برای حد ذکر نشده است، لذا قابل تبدیل به چیزی نیست.

اهل لغت برای کلمه تعزیر - که مصدر باب تغعیل و از ریشه «عزر» و از مصدر ثلاثی «العزر» است چند معنی گفته‌اند که عبارتند از: تسخیم و توقیر منع نمودن برگرداندن ادب کردن و توقیف نمودن. در حقوق جزائی اسلام از تعزیر همان ادب کردن را اراده نموده‌اند.

۱) تعزیر در طرف کم مقدار معین ندارد، اما در طرف زیاد قدار آن مشخص است که به مقدار «حد» نرسد، بسیاری از اهل سنت رسیدن تعزیر در طرف زیاد به مقدار حد را جایز می‌دانند،

۲) آزاد و غلام در کیفر تعزیری مساوی هستند.

۳) کم و زیاد تعزیر براساس بزرگی و کوچکی جنایت مشخص می‌شود، در حد صرف انجام جرم برای اقامه کفایت می‌کند.

۴) اقامه تعزیر تابع مفسده است اگرچه آن فعل گناه نباشد، مانند تربیت کردن کودکان، چهارپایان و دیوانگان که به انگیزه اصلاح آنها انجام می‌گیرد.

۵) هرگاه معصیت حقیر و کوچک باشد، مستحق تعزیر حقیر و کم است که البته آن تعزیر اثری ندارد.

۶) جرائم تعزیری با توبه ساقط می‌شود، و در سقوط بعضی حدود با توبه، میان فقهاء اختلاف است، ظاهراً حدود فقط با توبه‌ای که پیش از شهادت گواه باشد، ساقط می‌شود.

(۷) حاکم شرع در اقامه انواع تعزیر مختار است یعنی اختیار دارد که هر یک از انواع تعزیر را اراده کرده اقامه نماید، اما در اقامه حدود - جز در حد محارب - اختیار در انتخاب ندارد.

(۸) تعزیر بر حسب فاعل، مفعول و جنایت تفاوت پیدا می‌کند و حدود بر حسب آنها تفاوت پیدا نمی‌کند.

(۹) اگر امانات‌ها نسبت به عرف شهرها متفاوت باشد (یعنی گفتار یا کرداری در شهر اهانت محسوب شود و در شهر دیگر اهانت نباشد) عرف هر شهر در تشخیص و درک اهانت در لحظه می‌گردد. (اما در جرائم حدی نظر شرع مطاع است).

(۱۰) تعزیر نسبت به جرم، بر اینکه حق الله باشد - مانند دروغ - و حق الناس باشد - مانند فحش - یا حق الله و حق الناس باشد - مانند جنایت بر نیکان از در گذشتگان به وسیله فاشی آنها متنوع گردد، اما امکان ندارد که حد گاهی برای حق الله باشد، و گاهی برای حق الناس باشد، بلکه حد تماماً برای حق الله می‌باشد. شهید اول نیز گفته است: بعضی فها امامیه کتک زدن کودکان و دیوانگان را تأدیب نامیده‌اند.

اسباب حدود و تعزیرات

دیدگاه شریعت نسبت به اسباب حدود و تعزیرات از نظر محقق حلی چنین است: یعنی: اسباب حد شش چیز است که عبارتند از: ۱- ۱-۱- آلودگی که مربوط به زنا هستند، ۲- قذف، ۳- شرابخواری، ۴- دزدی، ۵- راهزنی. اسباب تعزیر چهار چیزند که عبارتند از: ۱) خروج بر حکومت اسلامی، ۲) ارتداد، ۳) آمیزش چهارپایان، ۴- تکب شدن گناهان دیگری غیر از موارد مذکور.

اسباب تعزیر را شهید اول یک چیز می‌داند، که عبارت است از هر گناهی که سیف معین برای آن ذکر نشده باشد. بر این اساس اسباب حدود محدود و مشخص است، ولی اسباب تعزیر ارتکاب محرمات الهی است.

تمامیت شریعت برای حفظ پنج چیز است که عبارتند از: دین، جان، عقل، نسب، مال. این پنج چیز از اموری هستند که هر شریعتی باید برای حفظ آنها باشد.